

گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی با تکیه بر آرا و نظرات مقام معظم رهبری^۱

محمدرضا نادرپور^۲

رضا جوادیان^۳

یدالله علی‌زاده^۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۳

فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی ناجا / سال سوم / شماره هفتم - بهار ۱۳۹۷ / ۵-۲۹

چکیده

پژوهش حاضر با هدف کلی معرفی رویکرد گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی انجام شده است. گفتمان به یک مفهوم و یک معرفت همه‌گیر در برهه‌ای از زمان در یک جامعه اطلاق می‌شود و گفتمان‌سازی بر اساس تعریف گفتمان، به فرایند همه‌گیرسازی این معرفت اشاره دارد. با توجه به اینکه مفهوم گفتمان‌سازی را برای اولین بار مقام معظم رهبری مطرح کردند، این مقاله درصدد معرفی این رویکرد نظری و کاربرد آن در حوزه امنیت اجتماعی است. روش انجام این پژوهش به صورت مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای است و جامعه آماری آن کلیه بیانات و فرمایشات مقام معظم رهبری است که از طریق سایت دفتر تنظیم و نشر آثار معظم له منتشر شده است.

نتایج این تحقیق نشان داد که به منظور گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی باید شش گام اصلی را که به شرح زیر است، برداشت: تبیین مفاهیم و مبانی پایه امنیت اجتماعی؛ بازتولید امنیت در قالب ارائه گزارش‌ها و مصاحبه‌ها؛ درگیر کردن نخبگان نظامی و دانشگاهی در حوزه فعالیت‌های ناجا؛ عمومی و فراگیر کردن گفتمان از طریق رسانه‌های جمعی، نهادسازی و ساختارسازی؛ بازتولید مفاهیم متناسب با نیازهای روز.

واژگان کلیدی

امنیت اجتماعی، گفتمان‌سازی، همه‌گیرسازی، دغدغه‌مندی، افکار عمومی

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با همین عنوان است که در مرکز مطالعات راهبردی ناجا به انجام رسیده و استخراج شده است.

naderpour42@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول)

3 . rezaj83@yahoo.com

4 . yadi-13533@yahoo.com

مقدمه

امنیت یکی از بارزترین وجوه بالندگی یک اجتماع و بسترساز رشد و توسعه و ثبات جامعه است. استقرار امنیت در یک جامعه، نیازمند ساختاری است که در آن حداقل عناصری مانند عدالت اجتماعی، تأمین و رفاه اجتماعی، اشتغال، آزادی و حاکمیت مردم و مشارکت کامل آنها، توزیع دانایی و اطلاعات در جامعه، استفاده از نیروی فرهیختگان و دانایان و نظایر آن وجود داشته باشد (محسنی، ۱۳۸۸: ۲).

امنیت نه تنها از وظایف اصلی دولت و نمایندگان عالی آن در مناطق مختلف، بلکه بستر اجرای سیاست‌های دولت در کشور است. در طول تاریخ پس از انقلاب و در فراز و نشیب‌های امنیتی و حوادث تلخ که بر امنیت داخلی گذشت، هیچ‌گاه امنیت با اهداف و نیات مختلفی که مطرح می‌شود، به اندازه امروز، عمده نشده است (محسنی، ۱۳۷۹: ۲).

همه تلاش‌ها در زمینه امنیت در طول سال‌های بعد از انقلاب در راستای بهبود وضع موجود و تغییر رویکرد به مقوله امنیت اجتماعی بوده است؛ اما تلاش‌ها و مجاهدت‌های صورت گرفته، فاقد یک الگوی جامع و بومی بوده و به عبارت بهتر در خصوص مبحث امنیت اجتماعی در جامعه، گفتمان‌سازی نشده است. تا زمانی که گفتمان‌سازی درباره مفهوم امنیت اجتماعی شکل نگیرد، نمی‌توان به این موفقیت دست یافت؛ بنابراین ریشه‌های امنیت اجتماعی در جامعه درونی نمی‌شود.

توجه به گفتمان‌سازی در ایران به بیانات مقام معظم رهبری برمی‌گردد که به این مهم توجه کردند و رمز پیشرفت در هر حوزه‌ای را گفتمان‌سازی برشمردند. بر این اساس، این پژوهش رسالتی محوری بر عهده دارد تا به معرفی رویکرد گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی بپردازد و زمینه بهره‌برداری آن را در مجموعه ناجا فراهم آورد.

طرح مسئله

امنیت اجتماعی یکی از ابعاد مهم توسعه اجتماعی است؛ همچنین تحقق و شکل‌گیری «جامعه امن» یکی از فرازها و اهداف اصلی مطرح در همه اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ در نظر گرفته شده است که این نکته نشان می‌دهد طراحان این سند بالادستی به اهمیت و ضرورت تأمین امنیت اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های مهم جامعه توسعه‌یافته واقف بوده‌اند. بر این اساس همه فعالان و نهادهای کشور باید حرکت به

سمت این هدف را جدی بگیرند و مبنای برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات خود قرار دهند. طبیعی است منظور از جامعه امن و روش‌های پیگیری این هدف نیز بسیار متنوع است و بنا به ماهیت و ویژگی ذاتی مقوله امنیت اجتماعی، نهادهای متعددی در شکل‌دهی به آن مؤثر و نقش‌آفرین هستند. از این رو طیف وسیعی از دستگاه‌های حاکمیتی از نیروهای دفاعی و نظامی کشور، نیروی انتظامی، سرویس‌های اطلاعاتی گرفته تا نهادهای قضایی، بروکراتیک و اداری-مانند دستگاه‌های خدماتی- و نیز نهادهای مدنی در این جهت باید حرکت کنند. امنیت اجتماعی در هر جامعه‌ای به وسیله اقدامات و ساختارهای متعددی نظیر اقدامات نرم همانند آموزش و اطلاع‌رسانی یا اقدامات سخت نظیر برخوردهای تنبیهی و گشت‌زنی و ... حاصل خواهد شد. با این حال در سال‌های اخیر، مفهومی به نام گفتمان‌سازی در جامعه مطرح شده است که اولین بار این مفهوم را مقام معظم رهبری مطرح کردند. این مفهوم تلاش دارد به گسترش حقیقتی (مفهوم امنیت اجتماعی) که جهت‌دهنده (تلاش مردمی برای بهبود آن) و برانگیزاننده مردم (حرکت در راستای همکاری و مشارکت با ناجا) است، دست پیدا کند.

توجه به مفهوم گفتمان‌سازی و اهمیت آن، در سایه توجه به مأموریت‌ها و وظایف نیروی انتظامی در حوزه امنیت اجتماعی، میسر خواهد شد. در حال حاضر مهم‌ترین وظیفه پلیس (نیروی انتظامی)، حفظ نظم و امنیت عمومی و ارتقای احساس امنیت هم‌وطنان و ایجاد شرایط مناسب برای انجام فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان بستر توسعه است. نیروی انتظامی همپای تغییرات به وجودآمده در اجتماع، رویکردهای خود را نسبت به مقوله جرم و امنیت باید تغییر دهد تا بتواند از طریق جلب مشارکت مردمی و همراهی آنان با فعالیت‌ها و اقدامات ناجا، زمینه بهبود وضعیت امنیت و بازتولید آن را در سطح جامعه مهیا کند. بر اساس مطالب مطرح‌شده، سؤال اصلی پژوهش این است: رویکرد گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی در جامعه چه مختصاتی دارد؟ مهم‌ترین گام‌های گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی در جامعه چیست؟

اهمیت و ضرورت مطالعه

نظام مقدس جمهوری اسلامی در دهه نخست حیات پربرکت خویش به تثبیت نظام و استقرار امنیت اجتماعی، تأمین استقلال و آرامش جامعه از طریق رفع چالش‌ها، مدیریت بحران‌ها و سرکوب عوامل ناامنی اهتمام ورزید. بدیهی است امنیت اجتماعی، مهم‌ترین پیش‌نیاز هرگونه

پیشرفت است؛ جوامع ناامن فرصت سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی پیدا نمی‌کنند؛ سرمایه‌گذاران نیز خطرها و ریسک سرمایه‌گذاری در نقاط ناامن و بی‌ثبات را به جان نمی‌خرند؛ ناامنی‌ها موجی از تخریب‌ها را همراه دارند. ملت و مسئولان کشورمان در دهه‌های دوم و سوم انقلاب اسلامی نیز با چهار برنامه پنج ساله و چشم‌انداز بیست ساله مسیر پیشرفت همه‌جانبه را پیش گرفتند و یکی از ملزومات اساسی این پیشرفت، یعنی امنیت اجتماعی را فراهم کردند؛ اما تلاش‌های آنان فاقد یک الگوی جامع و بومی بوده و به عبارت بهتر، درباره میحث امنیت اجتماعی در جامعه، گفتمان‌سازی صورت نگرفته است. تا زمانی که گفتمان‌سازی درباره مفهوم امنیت اجتماعی شکل نگیرد، با روش‌های دستوری و اجباری نمی‌توان به این موفقیت دست پیدا کرد و لذا ریشه‌های امنیت اجتماعی در جامعه درونی نمی‌شود.

از سوی دیگر، زمانی که این مفهوم از سوی مقام معظم رهبری مطرح شد، لازم است بیانات ایشان برای فرماندهان و مدیران ناجا همانند چراغ راهی در نظر گرفته شود و با بهره‌گیری تخصصی از این مفهوم در حوزه مأموریت‌ها و فعالیت‌های ناجا، زمینه موفقیت روزافزون ناجا در رسیدن به اهداف مهیا شود؛ زیرا بدون گفتمان‌سازی امنیت و با تأکید صرف بر اقدامات تنبیهی و واکنشی، نمی‌توان به بازتولید امنیت در جامعه امیدوار بود و از سوی دیگر، هزینه‌های ناجا برای بهبود وضعیت امنیت در جامعه به شدت افزایش خواهد یافت. به همین دلیل توجه به گفتمان‌سازی و مشخص کردن مختصات آن از جمله دلایل انجام این پژوهش است.

هدف اصلی طرح

- مشخص کردن مختصات رویکرد گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی در جامعه
- شناخت و معرفی مهم‌ترین گام‌های گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی در جامعه

روش‌شناسی تحقیق

این مقاله از نوع مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای است که با استفاده از تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری در طول سال‌های اخیر انجام شده است. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی- محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی

نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست (هیو و سارا، ۲۰۰۶: ۱۵). همچنین یکی از ویژگی‌های بنیادین پژوهش‌های کیفی، نظریه‌پردازی به جای آزمون نظریه است (ایمان، ۱۳۹۰: ۱۷۲). با تحلیل کیفی می‌توان یک رویکرد تجربی، روش‌شناسانه و کنترل‌شده مرحله به مرحله را با رعایت عناصر مورد مطالعه در نظر گرفت (مایرینگ، ۲۰۱۰: ۵). جامعه آماری این تحقیق مجموعه بیانات مقام معظم رهبری است که از طریق سایت دفتر تنظیم و نشر آثار معظم له منتشر شده است.

مفهوم گفتمان

واژه گفتمان که سابقه آن در برخی منابع به قرن ۱۴ میلادی می‌رسد، از واژه فرانسوی *discourse*[dis-koor] و لاتین *discurs-us* به معنی گفت‌وگو، گفتار و از واژه *discurrer* *discursum* به معنی طفره رفتن، از سر باز کردن، تعلل ورزیدن و... گرفته شده است (مک دانل، ۱۳۸۰: ۱۰). «گفتمان» از جمله مفاهیم مهم و کلیدی است که در شکل‌دهی به تفکر فلسفی، اجتماعی و سیاسی مغرب‌زمین در نیمه دوم قرن بیستم، نقش به‌سزایی داشته و کاربرد آن از سوی افراد مختلف، حالت تخصصی به خود گرفته است (سلیمی، ۱۳۸۳: ۵۰). برای مثال، پروفیسور ادوارد سعید که اساس ساختمان «شرق‌شناسی» خود را بر همین مفهوم بنا نهاده است، آشکارا می‌گوید: «مفهوم شرق‌شناسی درک نخواهد شد، مگر آنکه به صورت یک گفتمان... آن هم به صورتی که فوکو به کار می‌برد، مطالعه شود» (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۴). از جمله معادل‌هایی که برای این مفهوم در زبان فارسی استفاده شده است می‌توان از گفتار، سخن، وعظ و خطابه، درس و بحث، مقال و گفتمان نام برد (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۳). اما واژه گفتمان را برای اولین بار داریوش آشوری در یکی از مقاله‌های خود با عنوان «نظریه غرب‌زدگی و بحران تفکر در ایران» به کار برده است (آشوری، ۱۳۶۸: ۴۵۴). این واژه به عنوان معادلی برای واژه انگلیسی دیسکورس^۲ پیشنهاد و در اندک زمانی استفاده از آن رایج شد؛ به گونه‌ای که حتی به سریال‌های تلویزیونی و محاورات روزمره مردم نیز راه یافت (آشوری، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

1 . Mac Danel

2 . Discourse

تعاریف گفتمان

گفتمان از پیچیده‌ترین و مبهم‌ترین مفاهیم عصر ماست (کلانتری، ۱۳۹۱: ۷) که با کثرت معنایی مواجه است (روحانی، ۱۳۹۱: ۹) و در بسیاری از رشته‌ها و رهیافت‌ها از زبان‌شناسی گرفته تا ادبیات، فلسفه و علوم اجتماعی و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد (داوودی، ۱۳۸۹: ۵۱). گفتمان امروزه بیانگر ویژگی‌ها، خصوصیات تاریخی چیزهای گفته‌شده و چیزهایی است که ناگفته باقی می‌ماند. گفتمان‌ها نه تنها مربوط به چیزهایی است که می‌تواند گفته یا درباره‌اش فکر شود، بلکه در این باره است که چه کسی، در چه زمانی و با چه آمریتی می‌تواند صحبت کند. گفتمان مجسم‌کننده معنا و ارتباط اجتماعی و شکل‌دهنده ذهنیت و نیز ارتباطات اجتماعی و سیاسی (قدرت) است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۱۹). مفهوم گفتمان امروزه به صورت یکی از مفاهیم جدید و کلیدی در تبیین فلسفی، اجتماعی و سیاسی مغرب‌زمین درآمده و با واژگانی مانند ایدئولوژی، سلطه، زور، قدرت، مهاجرت، نژادپرستی، تبعیض، نابرابری و... عجین شده است.

گفتمان، نظام معنایی است که ارائه‌دهنده تصویری از جهان است. در هر گفتمانی این تصور واقعی تلقی می‌شود؛ به عبارت دیگر، بازنمایی هر گفتمانی از جهان، یک واقعیت عینی به شمار می‌آید. جدال گفتمان‌ها بر سر تثبیت معنای مد نظر خویش شکل‌دهنده مفهوم قدرت است (حسینی میلانی، ۱۳۸۲: ۶۹). یکی از ویژگی‌های گفتمان که واجد بعضی از این وجوه کارکردی است، رخداد ارتباطی است که به این معناست که مردم زبان را برای برقراری ارتباط میان اندیشه‌ها و باورها یا بیان احساسات به کار می‌گیرند و این عمل را به مثابه بخشی از رخدادهای پیچیده‌تر اجتماعی و در موقعیت‌های مشخص همچون ملاقات با دوستان، مکالمه تلفنی، تدریس در کلاس، مصاحبه برای پیدا کردن کار، ملاقات با پزشک یا هنگامی که به نوشتن یا خواندن گزارش خبری مشغول هستند، انجام می‌دهند (ون دایک، ۱۳۸۲: ۱۷). از نظر تاجیک، گفتمان سازنده معنا و ارتباطات اجتماعی و انسانی است و هر فعالیتی در قالب تعاملات فرهنگی که به تبادل معنا بینجامد، نوعی گفتمان است (تاجیک، ۱۳۷۹: ۶۹). از نظر «گی»^۱ گفتمان متضمن چیزی بیش از زبان است. گفتمان‌ها همواره متضمن هماهنگ کردن زبان با شیوه عمل، تعامل، ارزش‌گذاری، باور داشتن، احساس بدن‌ها، لباس‌ها، نمادهای غیر زبانی، اشیاء، ابزار، تکنولوژی‌ها، زمان و مکان است (گی، ۱۹۹۹: ۲۰).

لاکلا و موفه^۱ گفتمان را حوزه‌ای می‌دانند که مجموعه‌ای از نشانه‌ها در آن به صورت شبکه‌ای در می‌آیند و معنایشان در آنجا تثبیت می‌شود. هر نشانه‌ای که وارد این شبکه می‌شود و به واسطه عمل مفصل‌بندی^۲ با نشانه‌های دیگر جوش می‌خورد، یک وقته^۳ خواهد بود. معنای این نشانه‌ها به علت تفاوت‌شان با یکدیگر (که به آن جایگاه‌های تفاوت^۴ گفته می‌شود) درون گفتمان حول دال برتر به طور جزئی تثبیت می‌شود (لاکلا و موفه، ۱۹۸۵: ۱۱۱). تعریفی که لاکلا و موفه از گفتمان دارند، به گونه‌ای است که گفتمان را نظام بزرگ‌تری در نظر می‌گیرند که بقیه نظام‌ها و پدیده‌های اجتماعی را در سیطره خود می‌گیرند و به آنها شکل می‌دهند (زاهد و کاوه، ۱۳۹۱: ۵۵).

از دیدگاه کودون^۵، گفتمان در وسیع‌ترین و غیرفنی‌ترین مفهوم، صرفاً به معنی کلام یا محاوره است. به لحاظ معنایی نیز می‌توان اشاره کرد که گفتمان واژه‌ای است که در گذشته و حال به مباحثات و نقد و نظرهای عالمانه‌ای اطلاق می‌شد که در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی صورت می‌گرفت (کودون، ۱۹۷۹: ۱۹۴).

مفهوم گفتمان تأکید بر فرایندهایی اجتماعی دارد که مولد معناست. از درون گفتمان‌های متفاوت، جهان‌های متفاوت درک می‌شود (عضدانلو ۱۳۸۰: ۱۷). یکی از مفیدترین شیوه‌های تأمل در باب گفتمان این است که آن را نه تنها به مثابه مجموعه‌ای از نشانه‌ها یا نظمی از متن بلکه رویه‌هایی^۶ بدانیم که به گونه‌ای نظام‌مند (سیستماتیک) موضوعات یا ابژه‌هایی را که درباره‌شان سخن می‌گویند، شکل می‌دهند. به این اعتبار گفتمان چیزی است که چیز دیگری (پاره‌گفتار، مفهوم) را تولید می‌کند و نه چیزی که در خود و برای خود وجود دارد و به صورتی جداگانه می‌توان آن را تحلیل کرد. در خصوص تلقی گفتمان به مثابه چیزی اثرگذار، مهم این است که عوامل حقیقت، قدرت و دانش را در نظر بگیریم؛ چون با همین عناصر، گفتمان واجد تأثیر می‌شود (میلز، ۱۳۸۲: ۲۷).

هر نوع گفتمان، کلام و نوشتار جریانی اجتماعی محسوب می‌شود؛ به عبارت دیگر دارای سرشت، ماهیت و ساختار اجتماعی است. گفتمان‌ها با توجه به انواع نهادها و کاربست‌های

1 . Laclau, E & Mouffe

2 . Articulation

3 . Moment

4 . Differential Positions

5 . Cuddon

6 . Practices

7 . Mills

اجتماعی مختلفی که در آن شکل می‌گیرند و نیز با توجه به موقعیت، جایگاه و شأن افرادی که صحبت می‌کنند یا می‌نویسند و کسانی که مخاطب آنان هستند، فرق می‌کنند. بنابراین زمینه و بستر گفتمان جریانی همگن، واحد و یکدست نیست (مک دانل، ۱۳۸۰: ۶۵).
به اعتقاد کریس بالدیک، گفتمان معنای بسیار عام و گسترده‌ای دارد و هر گونه استفاده از گفتار یا نوشتار یا هر نوع کاربرد گفتار و نوشتاری مطالب و موضوعات در هر زمینه‌ای از معارف و دانش بشری را شامل می‌شود و نیز گفتمان را به آن دسته از واحدهای زبانی بلندتر از جمله اطلاق می‌کند (مک دانل، ۱۳۸۰: ۲۲).

تفاوت گفتمان و گفت‌وگو

گفتمان به معنای منطق گفتار، گفت‌وگو یا پس‌زمینه‌های گفتار و جملاتی است که به کار می‌روند و معنای واقعی جمله را در ارتباط با دنیای واقعی و زمینه بیرونی آن شناسایی می‌کنند. این معنا به مفهوم پارادایم یعنی الگو و منطق حاکم بر گفتار، گفت‌وگو و تفکر که به گستره‌های فراجمله‌ای توجه دارد، نزدیک‌تر می‌شود.

گفتمان صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا یعنی زمینه متن سر و کار ندارد، بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و غیره سر و کار دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸). گفتمان مجموعه به هم تافته‌ای از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و متن است. به همین دلیل گفتمان به یک مقوله جامعه‌شناختی تبدیل شده است.

سخن از گفت‌وگو و منطق و قواعد آن بر خلاف بعضی از مباحث دیگر، یک گفتار انتزاعی یا گفتاری علمی و محدود به قلمرو مسائل دانشمندان نیست، بلکه به زندگانی روزمره انسان‌ها در جامعه مرتبط است. رعایت منطق آداب و ضوابط گفت‌وگو، نه تنها رهگشای مسائل علمی و نخبگان سیاسی است که در روابط خانوادگی و مراودات روزانه افراد عادی جامعه نیز ملموس، کارآمد و سودمند است. به همین دلیل، مقوله گفت‌وگو یک امر اجتماعی و جامعه‌شناختی است (باقی، ۱۳۸۳: ۱۱۵). گیدنز در بحثی با عنوان قواعد اجتماعی، گفت‌وگو و محبت می‌گوید: میزان زیادی از کنش متقابل ما از طریق صحبت یا گفت‌وگو انجام می‌شود. جامعه‌شناسان همواره پذیرفته‌اند که زبان برای زندگی اجتماعی اهمیت اساسی دارد؛ اما اخیراً

رویکردی آمده است که به ویژه به چگونگی کاربرد زبان در زمینه‌های عادی زندگی هر روزه توجه دارد (گیدنز،^۱ ۱۳۸۶: ۱۲۲).

رویکرد گفتمان‌سازی

به منظور توضیح این رویکرد ابتدا به دسته‌بندی تعاریف گفتمان می‌پردازیم. تعاریف گفتمان را در نگاهی کلی به دو دسته تقسیم کرده‌اند:

الف) تعاریف متن‌محور: تعاریفی که گفتمان را نوعی متن گفتاری یا نوشتاری می‌دانند. اگرچه این تعاریف دارای تقدم و سهم بیشتری در ادبیات نظری هستند، پا را چندان از قلمرو زبان‌شناسی فراتر نگذاشته‌اند.

ب) تعاریف اندیشه‌محور: تعاریفی که با توسعه مفهومی، گفتمان را نظام معنایی گسترده‌ای به شمار می‌آورند. بدیهی است گفتمان به مثابه جریانی فرهنگی-اندیشه‌ای فراگیر و نه یک متن ادبی صرف که مورد توجه جامعه‌شناسان متأخر قرار گرفته است، با گروه تعاریف اندیشه‌محور همسویی بیشتری دارد (شجاعی زند، ۱۳۷۸؛ لاریجانی، تاجیک و خرمشاد، ۱۳۸۰).

بسیاری از پژوهشگران و نویسندگان داخلی و خارجی، گفتمان را به مثابه نظامی معنایی تلقی کرده‌اند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸؛ عیوضی، ۱۳۸۴؛ عضدانلو، ۱۳۸۰؛ مک دانل، ۱۳۸۰؛ لاریجانی، تاجیک و خرمشاد، ۱۳۸۰؛ میلز، ۱۳۸۲؛ لاکلا و موفه به نقل از کلانتری، ۱۳۹۱؛ روحانی، ۱۳۹۱؛ فوکو به نقل از شجاعی زند، ۱۳۷۸). گفتمان، شاکله اندیشه‌ها، مفاهیم و باورهاست (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۷) و به معنای مبنای فکری است که بر اساس آن ساختمان فکری بنا می‌شود (خاتمی، ۱۳۹۱) که در پیچه انسان به سوی شناخت جهان است (کسرای و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۲). پس می‌توان مهم‌ترین عناصر تعریف مانع جامع برای گفتمان را این‌گونه ترسیم کرد:

- هر گفتمان همراه با نظام معرفتی است.

- این نظام معرفتی در بافتی اجتماعی شکل می‌گیرد.

- پس از شکل‌گیری این نظام معرفتی، محدودیتی در فراتر رفتن از آن بافت اجتماعی

وجود ندارد.

- این نظام معرفتی، همه‌گیر است و عبارت گفتمان غالب را در بطن خود دارد (به این معنا که

گفتمان، آن نظام معرفتی است که غالب و همه‌گیر باشد) (امین خندقی و جعفرنیا، ۱۳۹۳: ۱۴۴).

گفتمان‌های مختلف برای سازماندهی جامعه به شیوه خاص خودشان با هم به کشمکش بر می‌خیزند. گفتمان‌ها وقتی عینیت یافته به نظر می‌رسند که امکان تصور جایگزین برای خود را غیر ممکن جلوه دهند و در نتیجه فضای حاکم بر رفتارهای ما بسیار طبیعی به نظر می‌رسد. مفهوم هژمونی در اینجا نقش پیدا می‌کند. ممکن است دیدگاه‌هایی که طبیعی به نظر می‌رسند، عینیت خود را از دست بدهند و مورد چالش و نزاع قرار بگیرند و در مقابل، گذر از نزاع سیاسی به عینیت نیز در شرایط مداخله هژمونیک ممکن می‌شود که طی آن یک دیدگاه خاص، طبیعی به نظر می‌رسد و غالب می‌شود (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۳۷). در خصوص غلبه گفتمان‌ها می‌توان به نظریه لاکلا و موفه اشاره کرد. در نظریه لاکلا و موفه میان دو مفهوم قابلیت دسترسی و مقبولیت تمایز وجود دارد. موفقیت یک گفتمان لزوماً به مقبولیت آن بستگی ندارد و یک گفتمان ممکن است با تکیه بر قابلیت دسترسی بالاتر و قابلیت استفاده بیشتر به موفقیت دست پیدا کند (تاجیک و روزخوش، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

در خصوص گفتمان غالب، سخن بوردیو^۱ نیز از اهمیتی ویژه برخوردار است: اگر من، پیر بوردیو، یک فرد واحد و منزوی از جانب خودم سخن بگویم و بگویم شما باید این یا آن کار را انجام دهید، حکومت را ساقط کنید یا موشک‌های پرشینگ را نپذیرید، چه کسی از من پیروی خواهد کرد؟ اما اگر در مقامی قانونی قرار بگیرم، به گونه‌ای که انگار از جانب توده مردم سخن می‌گویم، همه چیز عوض خواهد شد (وب^۲ و دیگران، ۲۰۰۲: ۱۴).

از طریق همین قدرت گفتمانی و گفتمان‌سازی، کارشناسان ناجا به طور عموم می‌توانند با اقتدار در خصوص موضوع امنیت و مسائل پیرامون آن بنویسند، اظهار نظر کنند و مدعی شوند که می‌دانند دیگران چه احساسی دارند و واقعاً چه اتفاقی در جامعه در حال وقوع است که کمتر کسی در جامعه از عهده آن بر می‌آید. آنها به شرطی از عهده این کار بر می‌آیند که از گفتمان‌های مقتدر انتظامی و سایر رویه‌های معمول همچون استفاده از رسانه‌ها و روابط عمومی قوی بهره‌گیرند (ماتسون، ۱۳۹۲: ۱۱).

گفتمان‌سازی همان‌گونه که از ظاهر کلمه بر می‌آید، واژه‌ای فرع بر گفتمان است و با آن سر و کار دارد. این واژه را مقام معظم رهبری به کار برده و به ادبیات این دوره وارد کرده‌اند. ترویج الگوی مد نظر، زمینه‌سازی، جریان‌سازی، تصمیم‌سازی و شاخص‌سازی از

1 . Bourdio
2 . Veb
3 . Matson

جمله عباراتی است که ایشان معمولاً در کنار گفتمان‌سازی یا در موقعیت‌هایی شبیه آن به کار برده‌اند. هر چند گفتمان‌سازی به طور دقیق هیچ‌کدام از آنها نیست، اما می‌تواند به مجموعه آنها اطلاق شود. گفتمان به یک مفهوم و یک معرفت همه‌گیر در برهه‌ای از زمان در یک جامعه اطلاق می‌شود و گفتمان‌سازی بر اساس تعریف گفتمان به فرایند همه‌گیرسازی این معرفت اشاره دارد. ایجاد یک گفتمان، با کارهای جدا جدا و برنامه‌ریزی نشده حاصل نخواهد شد. این کار به برنامه‌ریزی و کار فعال نیاز دارد و هیچ‌گاه نباید متوقف شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۹/۲۲).

برخی مختصات گفتمان‌سازی

در دنیای کنونی، بار اصلی اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی را رسانه‌ها و ابزارهای گفتمان‌ساز بر عهده دارند. نگاهی به گستره شبکه‌های ارتباطی در جهان نشان از تلاشی هدفمند، برنامه‌ریزی شده، فرایندی و هوشمندانه در ترویج گفتمان‌های حاکم دارد. به عبارتی بدون مشارکت بدنه جامعه، تغییر سیاست‌های اجتماعی و امنیتی امری سخت و طاقت‌فرسا و همراه با هزینه‌های گزاف خواهد بود و مشارکت بدنه اجتماعی نیازمند گفتمان‌سازی در آن حوزه است. هنگامی که از گفتمان‌سازی صحبت می‌شود، نگاه‌ها باید از بخشنامه و ادبیات دستوری، به تبیین و اقناع فطری منعطف شود که فرایندی زمان‌بر و برنامه‌ریزی شده است. به عبارتی، گفتمان‌سازی امری دستوری نیست و نیاز به طراحی فرایندی علمی با توجه به خصوصیات جامعه هدف دارد. هنگامی که از گفتمان‌سازی در انجام فعالیت‌ها و برنامه‌های کلان اجتماعی صحبت می‌شود، منظور شیوه‌های تبدیل برنامه به ادبیات حاکم بر زندگی تک تک نخبگان و مردم جامعه است. بر این اساس باید گفت یک موضوع وقتی به گفتمان تبدیل می‌شود که فضای عمومی جامعه را تسخیر کرده باشد و این فضا، فضایی اقناعی است که لازمه توفیق در آن، داشتن علم و آگاهی کافی و استفاده از روش‌های متناسب و منطقی است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «گفتمان یعنی باور عمومی، یعنی آن چیزی که به صورت یک سخن مورد قبول عموم تلقی بشود، مردم به آن توجه داشته باشند؛ این با گفتن حاصل می‌شود؛ با تبیین لازم - تبیین منطقی، تبیین عالمانه و دور از زیاده‌روی‌های گوناگون- حاصل می‌شود؛ با زبان صحیح، با زبان علمی و منطقی و با زبان خوش، بایستی این مطالب را منتقل کرد» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵).

بنابراین اصل اول گفتمان‌سازی به صورت زیر مطرح می‌شود:

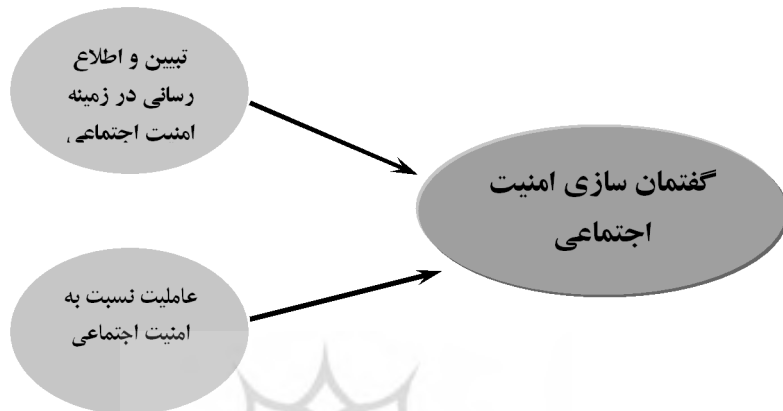
اصل اول: دوری از رفتارهای دستوری و کنش‌های مبتنی بر اجبار؛ نباید تصور کرد با صدور چند بخشنامه می‌توان گفتمان‌سازی اثربخش ایجاد کرد.

در مرحله دوم و به منظور گفتمان‌سازی لازم است ابزارهای مورد نیاز آن به خوبی شناخته و از آنها بهره‌برداری شود. مؤثرترین ابزار برای اقناع افراد، رسانه است و انسان‌ها معمولاً اتفاقات رخ داده را آن‌گونه تفسیر می‌کنند که رسانه‌های مسلط بر آنها می‌خواهند. رسانه‌ها وقایع را طوری جلوه می‌دهند که مخاطب برداشت مد نظر آنها را داشته باشد. بزرگ‌نمایی، گفتن بخشی از حقایق و در برخی موارد کتمان و انکار، ابزارهای متداول در این عرصه است. رسانه‌ها در جوامع امروزی طیفی بسیار گسترده از اهداف را دنبال می‌کنند که عدم آگاهی از آنها ممکن است ما را نسبت به این پدیده تأثیرپذیرتر سازد. جامعه‌پذیر کردن، سرگرمی، نظارت و اطلاع‌رسانی، تفسیر، پیوند انسان‌ها و... از جمله این اهداف است.

مطابق اعتقاد مک لوهان، رسانه در هر تعریفی، یا خود پیام است یا اصلاً برای پیام‌رسانی به وجود آمده است. پیام نیز یا خود فرهنگ است یا برای انتقال فرهنگ انتشار یافته است. در عصر جهانی‌سازی، ارتباطات و اطلاع‌رسانی در شناخت و ادراک مردم از تنوع فرهنگی می‌تواند تحول ایجاد کند و با ایجاد شبکه‌های محلی رادیویی و تلویزیونی در مناطق متفاوت، می‌توان به ارزیابی و بازسازی خرده‌فرهنگ‌ها کمک کرد. به طور کلی در جوامع، رسانه‌ها سازوکار مؤثر جامعه‌پذیری‌اند. رسانه‌ها ابزار عمده‌ای هستند که توسط آنها مردم ساختارها و حوادث جامعه را شناسایی و تفسیر می‌کنند و افراد به گونه‌ای نقش‌آفرینی خود را بر اساس آنها سامان می‌بخشند که در تعارض اساسی با رفتار مورد انتظار سایر افراد جامعه قرار نگیرد. بر این اساس، تمامی رسانه‌ها (در میان سایر ویژگی‌ها) از ویژگی پیام‌رسانی برخوردارند (طلوعی، ۱۳۸۵: ۷۵). تمامی رسانه‌های همگانی، بنا به ویژگی داشتن مخاطبین انبوه و امکان گسترش شبکه ارتباطی (امکان تکنولوژیکی)، استعداد فراگیر شدن را دارند.

رسانه‌های داخلی را می‌توان در دو زمینه تحلیل کرد: اول اینکه رسانه‌های داخلی باید نقش خود را در تبیین و اطلاع‌رسانی فعالیت‌ها و مأموریت‌های ناجا درباره مسئله امنیت اجتماعی ایفا کنند. دوم اینکه خود رسانه‌های داخلی تا آنجا که می‌توانند از طریق تولیدات فرهنگی خود، عامل بازتولید امنیت اجتماعی باشند. نکته مهم اینجاست که اگر این دو ویژگی هم‌زمان در رسانه‌های داخلی وجود داشته باشد، گفتمان‌سازی در زمینه امنیت اجتماعی رخ

می‌دهد. در این میان، نقش صدا و سیما به عنوان فراگیرترین رسانه داخلی، که به تعبیر مقام معظم رهبری، «دانشگاهی برای تدریس اصول اسلامی- انقلابی» است، دوچندان می‌شود.



در مورد اول، با بررسی عملکرد رسانه‌های داخلی، جای خالی برنامه‌های تخصصی در زمینه امنیت اجتماعی به شدت احساس می‌شود. ضروری است میزگردها، کرسی‌های آزاداندیشی، ویژه‌برنامه‌های تخصصی و... در تبیین امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن تهیه شود. در مورد دوم، یعنی عاملیت به امنیت اجتماعی، ضعف‌های بیشتری به چشم می‌خورد. اگر بنا به تعریف مک لوهان، رسانه را پیام بدانیم، آیا تا کنون پیامی در زمینه «مدیریت خود» و تلاش برای قربانی نشدن» توسط رسانه‌های داخلی به ویژه رسانه‌های بصری به مخاطب منتقل شده است؟ تبلیغات محصولات خارجی، به ویژه در روزنامه‌ها و سایت‌ها، ترویج مدگرایی در سینما، مصرف‌گرایی و عادی جلوه دادن آن در صدا و سیما، استفاده و ترویج تولیدات خارجی و... همگی از مصادیق وجود فاصله طبقاتی در جامعه و ایجاد فشار مضاعف بر قشرهایی است که خود را با چنین پیام‌هایی مقایسه می‌کنند. در واقع زمانی که رسانه‌های داخلی به ترویج ارزش‌های طبقات بالای جامعه می‌پردازند و به مصرف‌گرایی دامن می‌زنند، بخش اعظمی از جامعه خود را دور از این‌گونه اهداف فرهنگی^۲ می‌بینند. این مسئله ناشی از عامل نبودن رسانه

۱. این اصطلاح متعلق به اروینگ گافمن است. از دید گافمن از طریق مدیریت خود می‌توان در صحنه اجتماع رفتارهای خود را مدیریت کرد و در بسیاری از مواقع، قربانی جرم شدن، نتیجه مدیریت غلط کنشگر در صحنه اجتماع است. پخش پیام‌های اطلاع‌رسانی در زمینه کارت‌های اعتباری، مدیریت منزل در تعطیلاتی همچون عید نوروز و ... را می‌توان در راستای مدیریت خود دانست.

۲. اهداف فرهنگی در تئوری مرتن معنای خود را پیدا می‌کند. مهم‌ترین اهداف فرهنگی موفقیت در زندگی شغلی و شخصی، کسب درآمد، کسب شغل مهم، برخورداری از تحصیلات بالا و ... است. رسیدن به هر یک از این اهداف فرهنگی با استفاده از ابزارهای پذیرفته‌شده موجب همنوایی فرد و در غیر این صورت باعث بروز کج‌رفتاری می‌شود.

داخلی به مقوله امنیت اجتماعی و تبعات منفی پخش پیام‌هایی است که امنیت را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

رسانه‌های خارجی نیز تلاش می‌کنند وضعیت ایران را به لحاظ شاخص‌های امنیتی، نامناسب جلوه دهند و از این طریق به ناآرامی در کشور دامن بزنند. این شبکه‌ها با فعالیت‌های فرهنگی خود، اهداف سیاسی را دنبال می‌کنند و به همین دلیل می‌کوشند شرایط را برخلاف چیزی که در حال وقوع است، جلوه دهند. رسانه‌های خارجی، در راستای پروژه «تهاجم فرهنگی»، بیشتر به صورت نرم و ضمنی به تخریب و تبلیغات منفی در زمینه «امنیت اجتماعی و الگوهای اخلاق اجتماعی» می‌پردازند. برای مثال، پخش فیلم‌های سینمایی و سریال‌هایی با محوریت خانواده و تلاش برای نشان دادن فسادهای درون خانواده و روابط خارج از عرف افراد، ترویج بی‌بند و باری و رفتارهای خلاف اخلاق اسلامی مانند نوشیدن مشروبات الکلی، روابط آزاد زن و مرد و ... از جمله مصادیق تلاش رسانه‌های خارجی برای تضعیف امنیت اجتماعی است. از سوی دیگر، پخش گزینشی اخبار و گزارش‌های خبری به منظور تخریب نهادهای امنیتی و ... مواردی است که به صورت غیرمستقیم امنیت اجتماعی را دچار تهدید می‌سازد و به روابط دولت و ملت آسیب می‌زند. توضیح اینکه پژوهش در واکنش‌های تماشاگران سینما و تلویزیون در قبایل غیرمتمدن نشان داده است که این تماشاگران، فیلم را آن‌طور که مثلاً اروپاییان می‌بینند، نمی‌بینند و تنها عوامل و اشیای آشنا را تعقیب می‌کنند و به آنها مشغول می‌شوند و ارتباط صحنه‌ها و پیگیری خط داستانی برایشان مطرح نیست. کودکان نیز به همین ترتیب، اغلب بر جزئیات، بیشتر از کل صفحه تلویزیون نظر دارند. بنابراین رسانه، صرف‌نظر از محتوا، به صورت پیام انتقال می‌یابد و می‌تواند نقش مهمی در اقناع اذهان مخاطبین داشته باشد. بسیاری از مخاطبین رسانه‌های جمعی، بدون اینکه خود بدانند، مورد حمله اطلاعاتی قرار می‌گیرند و دچار تزلزل در عقاید و تشکیک در معلومات می‌شوند (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۰۷) که امنیت اجتماعی یکی از این موارد است.

برای مثال، رسانه‌های خارجی، با هدف کم‌رنگ کردن اعتراضات مردم اروپا به طرح‌های ریاضتی از یک سو و تخریب مفهوم اقتصاد مقاومتی از سوی دیگر، به شباهت‌سازی میان این دو پرداخته‌اند. این پیام رسانه‌ای این‌گونه قابل تحلیل است که اقتصاد مقاومتی تافته‌ای جدا بافته از اقتصاد ریاضتی نیست؛ همچنین مشکلات اقتصادی ایران دست‌کمی از بحران اقتصادی اروپا ندارد. ارسال چنین پیام‌هایی با هدف تحریک مردم و تحت فشار قرار دادن آنان

است تا از این طریق زمینه بروز ناآرامی و ناامنی اجتماعی را در کشور فراهم سازند. بنابراین اصل دوم گفتمان‌سازی به صورت زیر مطرح می‌شود:

شناخت جامعه هدف و انتخاب رسانه تأثیرگذار بر جامعه هدف؛ گفتمان‌سازی در واقع در تلاش است تا تغییر نگرش و رفتار ایجاد کند و با اطلاع‌رسانی تفاوت‌های اساسی دارد. گفتمان‌سازی، به تنهایی حرکت کردن نیست، بلکه مشارکت همه رسانه‌های جامعه را می‌طلبد.

نخبگان در هر جامعه نقش کلیدی بر عهده دارند و از توان بالایی در هدایت افکار عمومی برخوردارند. در فرایند گفتمان‌سازی نیز یکی از محوری‌ترین امور، بهره‌گیری از توان نخبگان و استفاده از ظرفیت‌های آنان در جذب بدنه مردمی است.

مطالعات و پژوهش‌های دقیق، عمیق و راهبردی در حوزه مسائل امنیت اجتماعی که می‌تواند در قالب برگزاری همایش‌های علمی، انتشار کتب مرتبط، مجلات علمی، پژوهش‌های راهبردی، گزارش‌های راهبردی و... انجام گیرد، از طریق نخبگان عملیاتی خواهد شد. به کارگیری نخبگان برای تبیین صحیح مفهوم امنیت اجتماعی از جمله ضروریات گفتمان‌سازی است که می‌تواند در قالب نشست‌های تخصصی، کارگاه‌های آموزشی، پژوهش‌های موردی، مقالات علمی و... صورت گیرد. نخبگان به واسطه فعالیت‌های علمی خود می‌توانند فضایی افناعتی را در جامعه خلق کنند که زمینه نزدیکی و پیوند مردم و بدنه حاکمیتی را فراهم می‌سازد و از این طریق گفتمان مد نظر به بدنه اجتماع رسوخ می‌کند و توسط آنان نیز مورد پذیرش قرار می‌گیرد و ادبیات مرتبط با این گفتمان در ادبیات عامه مردم مسلط می‌شود. بنابراین:

گفتمان‌سازی نباید فقط حکومتی باشد، بلکه باید سازمان‌های مردم‌نهاد، دانشگاه‌ها، مؤسسات علمی و نهادهای مشابه در صحنه گفتمان‌سازی بسیار فعال باشند و در این زمینه مشارکت هوشمندانه مردم و نخبگان ضرورت جدی دارد.

یکی از مهم‌ترین ابزارهای گفتمان‌سازی استفاده از ابزار هنر است. هنرمندان می‌توانند در عرصه‌های مختلف هنری با به تصویر کشیدن ابعاد مختلف امنیت اجتماعی و پدیده‌های مؤثر بر آن به روشن شدن ابعاد مختلف آن برای مردم کمک کنند. در این راستا می‌توان از طیف‌های مختلف هنری مانند نویسندگان، شعرا، فیلم‌سازان، طراحان گرافیک و... یاری طلبید. به ویژه نوشتن داستان و رمان با محوریت مسائل امنیت اجتماعی، ساختن فیلم‌های کوتاه و انیمیشن با این موضوع و... می‌تواند مؤثر باشد. البته در این زمینه ناچا در سال‌های

اخیر تلاش‌های زیادی کرده و با همکاری در تولید مجموعه‌های تلویزیونی و فیلم‌های پلیسی، مردم را با مفاهیم امنیتی به خوبی آشنا کرده است و مفاهیم محوری این حوزه نظیر مشارکت همگانی، محله‌محوری، جامعه‌محوری، سرمایه اجتماعی و ... به خوبی در ادبیات عامه مردم جای خود را پیدا کرده است. بنابراین:

گفتمان‌سازی مبتنی بر اندیشه و هنر اصیل است و مشارکت اندیشمندان و هنرمندان را می‌طلبد.

گفتمان‌سازی فرایندی برنامه‌ریزی‌شده، هدفمند و فعالیتی پربازده در گذر زمان است. شاید بتوان گفتمان‌سازی را به دوران اخیر عملکرد رسانه‌های منتسب کرد. در دوران گذشته اگر چه تلاش برای ارائه تصویری خوب از خود و تصویری بد از دیگری از طریق رسانه‌ها انجام می‌شد، اما این تأکیدات مصداقی و تک‌گانه بود؛ اما امروزه این جریان در قالب برنامه‌های ساماندهی‌شده و مدون با عنوان گفتمان انجام می‌گیرد و به عبارتی دوران جدید رسانه‌ای را می‌توان دوران تولد گفتمان‌ها برشمرد و همه تلاش‌ها و کوشش‌هایی که انجام می‌گیرد برای آن است که مخاطب اقناع شود و افکار عمومی و ذهن انسان و به تبع آن رفتار بشر در مسیر برنامه‌ریزی‌شده توسط رسانه‌ها جریان یابد. از این منظر گفتمان‌سازی یکی از بهترین روش‌ها برای وصول به این هدف است؛ زیرا ساختار معرفتی انسان اصولاً بر اساس گفتمان‌سازی عمل می‌کند. ما دارای دو نوع علم هستیم: حضوری و حصولی. علم و معرفت حصولی و آنچه ما از جهان می‌فهمیم، به صورت گفتمانی عمل می‌کند. معرفت و فهم ما از جهان پیرامون در ابتدا حسی است، یعنی از طریق حواس خود محیط خود را درک می‌کنیم. در این مرحله مفاهیم^۱ در ذهن ما جای می‌گیرند. این مفاهیم در بستری که بستر فرهنگی معرفت است، پارادایم‌ها را شکل می‌دهند و هر پارادایم در ذهن، ماب‌ه‌زایی تولید می‌کند که مدل آن است. این پارادایم‌های محصول مفاهیم طبیعی و حسی، گفتمان‌های عام را در ذهن انسان شکل می‌دهند. این گفتمان‌های عام در مواجهه با شناخت تجربی و خردگرا به گفتمان‌های خاص تبدیل می‌شوند. در چنین فرایندی رسانه‌ها بر این گفتمان‌های خاص تأثیر می‌گذارند. بنابراین گفتمان‌سازی از نظر فلسفه ذهن، فرایندی کاملاً منطبق با نوع درک انسان از جهان است و لذا قدرت تحول و اقناعی فوق‌العاده و در عین حال طبیعی دارد. بنابراین:

گفتمان‌سازی فرایندی برنامه‌ریزی‌شده، هدفمند و فعالیتی پربازده در گذر زمان است.

همچنین گفتمان‌سازی فعالیتی فرهنگی و بلندمدت و متنوع است و در کوتاه‌مدت آثار چندانی نخواهد داشت.

گفتمان‌سازی باید بر مدار آینده‌پژوهی، همواره فعال و قادر به رصد حرکات دشمن و آسیب‌شناسی باشد و از شرایط عمل منفعلانه فاصله بگیرد. نیازهای جامعه و مردم شناسایی شوند و در حوزه گفتمان‌سازی پاسخ به موقع داده شود.

در گفتمان‌سازی، رعایت اصل «مأمور به تکلیف» بودن به جای اصل «مأمور به نتیجه» بودن مورد توجه است.

بیان‌سالاری و توجه صرف به آمار در فعالیت‌های فرهنگی، به عنوان هسته اصلی گفتمان‌سازی، یکی از نشانه‌های نتیجه‌گرا بودن محسوب می‌شود که مورد انتقاد است.

گام‌های گفتمان‌سازی

اکنون و بر اساس مطالبی که مطرح شد، در یک جهت‌گیری و رویکرد علمی برای گفتمان‌سازی دست کم شش مرحله را می‌توان در نظر گرفت که باید به این مراحل توجه کرد:

مرحله اول ایجاد گفتمان امنیت اجتماعی را می‌توان تبیین مفاهیم و مبانی پایه دانست. در این مرحله باید مبانی امنیت اجتماعی را تحلیل و کارشناسان را با ابعاد مختلف این مفهوم آشنا کرد تا با تمرکز دانش تخصصی در سطوح پایه سازمان، ترویج و غلبه این دانش در سطح اجتماع اتفاق بیفتد. در حال حاضر در موضوعی همچون امنیت اجتماعی مفاهیم روشن و شفاف نداریم و از طرفی ارتباط بین این مفاهیم چندان روشن و واضح نیست.

مرحله دوم برای ایجاد گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی، بازتولید امنیت در قالب ارائه گزارش‌ها و مصاحبه‌ها و همچنین عملکرد مطلوب ناجا در این خصوص است. انتشار فصلنامه‌های علمی که حاوی مقالاتی درباره مسائل امنیتی جامعه است و همچنین مصاحبه‌ها و گزارش‌های منتشرشده در رسانه‌های جمعی به بازتولید امنیت در سطح اجتماع کمک می‌کند و امنیت اجتماعی را به گفتمان مسلط تبدیل خواهد کرد.

مرحله سوم برای گفتمان‌سازی و حاکمیت گفتمان امنیت اجتماعی در کشور، درگیر کردن نخبگان نظامی و دانشگاهی در حوزه فعالیت‌های ناجاست. بدون بهره‌گیری از استادان دانشگاه و نخبگان نظامی شاغل در ناجا، نمی‌توان جریان‌سازی کرد و برای این امر باید از نخبگان بهره گرفت. بهره‌گیری از نخبگان به مشروعیت گفتمان امنیت اجتماعی خواهد انجامید و این امر

زمینه پذیرش مردمی و غالب شدن گفتمان مذکور را در سطح اجتماع هموار خواهد کرد. مرحله چهارم، عمومی و فراگیر کردن گفتمان است. این امر از طریق رسانه‌های جمعی و همچنین متون منتشرشده از سوی ناجا میسر خواهد شد و نشان خواهد داد که جهت‌گیری ناجا به چه صورت است.

مرحله پنجم، نهادسازی و ساختارسازی است. در این زمینه نیروی انتظامی توانسته است با تشکیل واحدهایی همچون پلیس ۱۱۰ به ساختارسازی و نهادسازی دست بزند و از این طریق گفتمان مد نظر را تبلیغ کند تا زمینه پذیرش آن در بدنه جامعه فراهم شود. مرحله ششم، بازتولید مفاهیم متناسب با نیازهای روز است؛ زیرا در حال حاضر، دائماً با مسائل جدیدی روبه‌رو هستیم و امنیت اجتماعی به متغیرهای جدیدی گره خورده است که لازم است مفاهیم جدید را متناسب با نیاز امروز کشف و این مفاهیم را مرتب بازتولید کنیم.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

شناخت مختصات و گام‌های گفتمان‌سازی یکی از ضرورت‌های این پژوهش بود که تلاش شد به این دو مقوله مهم پرداخته شود. اکنون به منظور کاربست این روش در مجموعه ناجا، راهکارهای زیر که برگرفته از نتایج پیمایشی در سطح نخبگان و شهروندان است، ارائه خواهد شد:

۱. جلب مشارکت اجتماعی مردم در فعالیت‌ها و مأموریت‌های ناجا
جلب مشارکت‌های مردمی باعث پیوند و تعامل ناجا و شهروندان می‌شود و امنیت به نقطه مشترکی بین این دو گروه تبدیل خواهد شد. رویکرد جذب مشارکت‌های مردمی در سال‌های اخیر از سوی ناجا دنبال شده است و با ورود هر چه بیشتر سازمان‌های مردم‌نهاد و شهروندان در فعالیت‌ها و مأموریت‌های ناجا، این مهم بیش از پیش عملیاتی خواهد شد.

۲. بسط دانش تخصصی امنیت اجتماعی در سطح جامعه

تبیین مفهوم امنیت در فضای دانشگاهی و علمی جامعه و سرایت این‌گونه مباحث به لایه‌های زیرین جامعه موجب افزایش دانش تخصصی امنیت خواهد شد و امنیت به دغدغه‌ای ذهنی تبدیل می‌شود. نقد مباحث موجود پیرامون موضوع امنیت و سنجش این موضوع در ابعاد

ذهنی و عینی در سطح استان‌های کشور، دانشی غنی پیرامون موضوع امنیت ایجاد می‌کند که می‌تواند زمینه‌ساز رسوب امنیت در سطوح مختلف جامعه شود. در این زمینه دانشگاه علوم انتظامی می‌تواند نقش فعالی بر عهده بگیرد و از طریق تولید ادبیات در زمینه امنیت اجتماعی و انتشار آن در قالب کتاب، مجله و نشریه به ترویج دانش امنیت در سطح جامعه کمک کند و از طریق در معرض نقد قرار دادن این ادبیات، زمینه پیوند بین صاحب‌نظران و دانشگاه را فراهم سازد. تعامل نزدیک دانشگاه علوم انتظامی با صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه امنیت می‌تواند موجب رسوخ امنیت در جزئی‌ترین لایه‌های اجتماع شود و این نفوذ زمینه گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی را مهیا کند.

۳. ایجاد فضای تبادل اندیشه و اطلاعات بین نخبگان و ناجا در حوزه امنیت اجتماعی

برقراری ارتباط بین ناجا و نخبگان می‌تواند به مشروعیت هر چه بیشتر برنامه‌ها و فعالیت‌های ناجا بیفزاید و از سوی دیگر در این فرایند، ناجا می‌تواند از توان علمی نخبگان به منظور طراحی برنامه و پروژه‌های در دست اجرا کمک بگیرد و از سوی دیگر، از نخبگان به عنوان یک رسانه به منظور ترویج ادبیات موضوع امنیت استفاده و مشارکت‌های مردمی را به سوی خود جلب کند. نخبگان همواره به عنوان نیروی پیشرو در نظر گرفته می‌شوند که می‌توانند نوآوری و خلاقیت را به بدنه جامعه تزریق کنند و با گام برداشتن در راه‌های جدید، زمینه همراهی مردم را نیز فراهم آورند. از این حیث تکیه بر نیروی نخبگان در گفتمان‌سازی امنیت اجتماعی بسیار مهم است و بدون بهره‌برداری از این نیروی اجتماعی، گفتمان‌سازی با شکست مواجه خواهد شد؛ زیرا گفتمان‌سازی مسئله‌ای اقناعی است و در این زمینه نخبگان از توان بالایی برای اقناع مردم برخوردارند.

۴. حفظ امنیت اجتماعی به منظور جلب نظر مردم و همکاری آنان

تلاش به منظور حفظ امنیت اجتماعی و حصول شرایطی که در آن آرامش و امنیت خاطر حکمفرما باشد، در حکم نوعی مشوق برای مردم به منظور بازتولید شرایط امن از طریق مشارکت در امور مربوط به ناجاست. امنیت برای مردم همچون نعمتی در نظر گرفته می‌شود که باید از آن به طور پیوسته مراقبت کرد و این مراقبت به تنهایی و از طریق ناجا میسر

نیست. ناجا با حفظ امنیت، شرایطی را برای افراد رقم می‌زند که مطلوب آنان است و با توسعه نگرش‌های برون‌سازمانی، مردم را نیز در این فرایند دخیل می‌کند و امنیت را برای آنان به ملکه ذهن تبدیل می‌سازد.

۵. هم‌افزایی ساختارهای مرتبط به تولید امنیت اجتماعی (دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد) بهبود امنیت اجتماعی نیازمند همکاری بین بخشی با تکیه بر تعامل سازمانی است. سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و رهنمودهای مقام معظم رهبری به عنوان اسناد بالادستی، چارچوب کلی همکاری مشترک ناجا با قوای سه‌گانه و سایر دستگاه‌های حوزه امنیت اجتماعی را مشخص می‌سازند. در قانون نیروی انتظامی و سند چشم‌انداز بر تعامل و همکاری بین دستگاه‌ها برای تأمین امنیت تأکید شده است و مقام معظم رهبری نیز در بیانات متعدد خود، بر لزوم این همکاری‌ها تأکید فراوان دارند. بنابراین هم‌افزایی بین دستگاه‌ها نیازمند پیشنهادهایی است که در بعد قانونی و سیاستی با کمبودی مواجه نیست و اتفاقاً از پشتوانه محکمی برخوردار است و برای اجرا و عملیاتی شدن، می‌توان از دستورالعمل‌های سازمانی و بین‌سازمانی استفاده کرد؛ چنان که ناجا در طرح‌های مشترک خود با وزارت آموزش و پرورش بسیار موفق عمل کرده است و موفقیت ناجا در این طرح می‌تواند زمینه مشارکت بیشتر سازمان‌ها و نهادهای درگیر در مسئله امنیت را فراهم کند.

۶. بهره‌گیری از قدرت رسانه‌ها به منظور افزایش هم‌افزایی و اقناع مردم بهره‌نگرفتن صحیح دستگاه انتظامی از ظرفیت رسانه‌ها از یک سو و عدم ورود و حضور فنی و تخصصی رسانه‌ها در حوزه‌های انتظامی و امنیتی با توجه به برخی محدودیت‌ها از سوی دیگر، موجب ایجاد شکافی جدی میان «امنیت» و «احساس امنیت» در جامعه خواهد شد. رسانه می‌تواند با انعکاس دقیق، مستند و بدون تناقض آمارها و اقدامات انتظامی، خیال مردم را از جهت حضور مقتدرانه پلیس و تأمین امنیت آسوده کند و این امر مستلزم همکاری بیشتر پلیس با رسانه‌هاست. به بیان دیگر، لازم است اندکی درها به روی خبرنگاران و اهالی رسانه بازتر شود تا تلاش‌ها و زحمات پلیس، به شکلی شفاف‌تر و واقعی‌تر از زبان رسانه، نه پلیس، به جامعه منعکس شود؛ زیرا نباید فراموش کنیم که دوران نشاندن مردم پای جعبه جادو رو به اتمام است و دیگر اسپانسر سریال‌ها و نمایش چند صحنه جذاب پلیسی، نمی‌تواند دیدگاه

مردم را درباره پلیس تنظیم کند. در حال حاضر، هجوم هشتگ‌ها و نرم‌افزارهای پیام‌رسان، جریان اطلاعات را تغییر داده و اینجاست که پلیس در تعاملی منطقی با رسانه‌ها می‌تواند از چنین ظرفیت‌هایی برای بازتاب خدمات و تلاش‌های خود بهره بگیرد. رسانه‌ها نیز باید با بهره‌گیری از نظرهای صاحب‌نظران امور انتظامی، ترویج آگاهی‌های عمومی و تلاش برای انتشار ندادن شایعات موجب شوند که مردم در حوزه ارتکاب جرم قرار نگیرند یا اگر اتفاقی رخ داده، آسیب کمتری متوجه آنان شود. دیگر اینکه جنبه هشداردهی برای افراد مستعد ارتکاب جرم داشته باشند، که تحقق این امر نیازمند آن است که رسانه‌ها از رویکرد «جذب مخاطب به هر قیمتی» فاصله بگیرند و علمی‌تر به موضوع امنیت بپردازند. در چنین فضایی، صفحات حوادث روزنامه‌ها، خبرگزاری‌ها و سایت‌ها دیگر حاوی تنها مطالب به اصطلاح زرد نخواهد بود و رویکرد آگاهی‌بخشی در مطالب پررنگ‌تر خواهد شد که این موضوع نیز به همگرایی پلیس و رسانه و در نهایت مردمی شدن امنیت پایدار که هدف والای نیروی انتظامی در سال‌های اخیر بوده است، کمک می‌کند.

۷. افزایش سرمایه اجتماعی پلیس

سرمایه اجتماعی برای پلیس به عنوان ظرفیت و قابلیت مشارکت مردم در توسعه نظم و امنیت عمومی از سال‌ها پیش تا کنون، توجه نظریه‌پردازان علوم اجتماعی را به خود جلب و ناجا تلاش کرده است تا به اعتمادسازی دست بزند و مسیر اعتمادسازی خود را با روند جامعه‌پذیری اعضای جامعه هماهنگ و سازگار کند. اگر مردم درک کنند و ببینند که پلیس با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه‌شان هم‌نواست، آنگاه اعتماد و اطمینان آنها به پلیس بیشتر خواهد شد و هم‌نوایی‌شان با جامعه افزایش خواهد یافت. علاوه بر این اگر نهادهای آموزشی (مثل مدارس و دانشگاه‌ها) و انتظامی با آموزش و تقویت اعتماد اجتماعی بین خانواده‌ها و افراد جامعه گام بردارند و صدا و سیما با تولید و پخش برنامه‌های مختلف در جهت فرهنگ‌سازی بین مردم برای کمک و همیاری به دیگران و تقویت اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی نقش ایفا کند، آن‌گاه شاهد کاهش جرایم و تحقق امنیت اجتماعی خواهیم بود و این اقدامات در حکم روندی است که نیروی پلیس را با مردم پیوند می‌دهد و برای ناجا سرمایه اجتماعی مهیا می‌کند.

چنانچه سرمایه اجتماعی را با مؤلفه‌های مهمی همچون اعتماد عمومی، آگاهی و آمادگی برای مشارکت تعریف کنیم، بی‌درنگ اذعان خواهیم کرد که پلیس بیش از هر سازمان دیگری، نیازمند سرمایه اجتماعی است؛ زیرا بسیاری از پدیده‌هایی که پلیس به مداخله در آنها می‌پردازد، ماهیت اجتماعی دارند و لاجرم بدون همکاری، همراهی و همگامی یکایک شهروندان جامعه، مداخله پلیس در آن پدیده‌ها کمتر موفقیت حداکثری را نصیب آن، و البته نصیب کل جامعه، خواهد کرد. دیگر اینکه دیرزمانی است که ثابت شده است هیچ پدیده کجروانه اجتماعی از میان بر نمی‌خیزد، مگر آنکه جامعه فشار هنجاری خود را معطوف آن کند. ناگفته پیداست که جامعه تنها زمانی در برابر پدیده‌های کجروانه و انحرافی چنین رویکردی را پیش روی خود قرار خواهد داد که از یک سو از ماهیت این پدیده‌ها و نیز از حیثه‌های پرشمار کنش‌وری پلیس خود آگاه شود و از سوی دیگر به پلیس در تقابل با پدیده‌های هنجارشکنانه و قانون‌گریزانه اعتماد کامل ورزد.

۸. ملاحظه تکثرهای درون جامعه و پرهیز از غیریت‌سازی در لایه‌های اجتماع

آنچه سازمان‌های پلیسی را به چالش می‌کشاند و موجب بازنگری و تجدید نظر در امنیت‌بخشی می‌شود، نحوه نگرش به امنیت و به دنبال آن، سازوکارهای امنیت در چشم‌انداز آینده است. به عبارت دیگر، حوزه امنیت مستثنی از سایر پدیده‌های اجتماعی و سیاسی نیست و به مرور زمان باید در جهت اهداف مطلوب دستخوش تغییر شود. از این رو، با حوزه معنایی امنیت قدیم و رویکردهای گذشته، نمی‌توان به تحقق امنیت برای جامعه آینده خوش‌بین بود و با سرمایه‌های اجتماعی گذشته به انجام امور جمعی آینده پرداخت. با عنایت به این رویکرد و با توجه به شرایط در حال گذار ایران، تکثرگرایی در حوزه امنیت اجتماعی به عنوان واقعیتی پیش رو است که از سوی متولیان حوزه امنیت باید جدی گرفته شود.

منابع فارسی

- آشوری، داریوش (۱۳۸۴)، فرهنگ علوم انسانی، تهران: مرکز.
- آشوری، داریوش (۱۳۶۸)، «نظریه غرب‌زدگی و بحران تفکر در ایران»، ایران‌نامه، س ۷، ش ۲.
- امین خندقی، مقصود و فاطمه سادات جعفرنیا (۱۳۹۳)، «چگونگی گفتمان‌سازی نظریه ولایت فقیه در محتوای برنامه‌های درسی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۱، ش ۳۹.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰)، مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، تهران: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- باقی، عمادالدین (۱۳۸۳)، «گفتمان گفتگو در اسلام»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، ش ۱.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، جامعه‌ای امن در گفتمان خاتمی، تهران: نشر نی.
- تاجیک، محمدرضا و محمد روزخوش (۱۳۸۷)، «بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۶، ش ۶۱.
- حسینی میلانی، ندا (۱۳۸۲)، تحلیل گفتمان نشریات دانشجویی پیرامون غرب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- روحانی، حسن (۱۳۹۱)، «گفتمان امام خمینی پیرامون امنیت ملی و سیاست خارجی»، راهبرد، ش ۶۵.
- زاهد، سید سعید و مهدی کاوه (۱۳۹۱)، «گفتمان‌های پوشش ملی در ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره اول، ش ۴.
- سلیمی، اصغر (۱۳۸۳)، «گفتمان در اندیشه فوکو»، کیهان فرهنگی، ش ۲۱۹، تهران: مؤسسه کیهان.
- شجاعی زند، علیرضا و حسینعلی قجری (۱۳۸۷)، «قابلیت‌های تحلیل گفتمان در پدیده‌های فرهنگی- اندیشه‌ای با تأکید بر گفتمان هژمونیک‌شده در انقلاب اسلامی»، پژوهشنامه متین، ش ۴۰.
- طلوعی، علی (۱۳۸۵)، «جهانی‌سازی و رسانه‌های محلی»، تهران: مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی جام‌جم.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰)، گفتمان و جامعه، تهران: نشر نی.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۴)، «گفتمان عدالت سیاسی در انقلاب اسلامی»، راهبرد یاس، س اول، ش ۳.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه جمعی از مترجمان، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

- کسرای، محمدسالار و علی پوزش شیرازی (۱۳۹۰)، «تحلیل گفتمان جنبش دانشجویی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با استفاده از نظریه گفتمان لاکلا و موفه»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، ش ۳.
- کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۱)، گفتمان از سه منظر زبان‌شناختی، فلسفی و جامعه‌شناختی، تهران: جامعه‌شناسان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لاریجانی، اردشیر، محمدرضا تاجیک و محمدباقر خرم شاد (۱۳۸۰)، «میزگرد گفتمان انقلاب اسلامی»، انقلاب اسلامی، پیش‌شماره یک.
- مک دائل، دایان (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.
- میلز، سارا (۱۳۸۲)، گفتمان، ترجمه فتاح محمدی، زنجان: هزاره سوم.
- واعظی، حسن (۱۳۸۸)، استعمار مدرن، جهانی‌سازی و انقلاب اسلامی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ون دایک، تئون (۱۳۸۲)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان، ترجمه گروه مترجمان، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

منابع لاتین

- Cuddon, j.A. (1979), *A Dictionary of literary Terms*, London: Penguin Books ltd.
- Fairclough, N. (1989), *language and Power*, London: Longman.
- Fairclough, N. (2002), "A Critical Discourse Analysis and the Mercerization of Public Discourse", in Toolan, m(Ed) *Critical Discourse Analysis*, Vol. 2, London: Rout ledge.
- Gee, James Paul (1999), *An Introduction to Discourse Analysis: Theory and Method*, London: Rout ledge.
- Hsiu- Fang Hsieh & Sara E. Shanon(2006)Three Approaches to Content Analysis", *Qualitativr Health Research*, Vol.15, No.9
- Jorgensen, M and Philips, L (2002) *discourse analysis as theory and method*, London: sage publication.
- Laclau, E & Mouffe, C. (1985), *Hegemony and Socialist Strategy: Toward a Radical Democratic Politics*, London: Verso.
- P. Mayring(2010)Qualitative content analysis. *Forum: Qualitative Social Research*, 1(2).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی